

## چرا تحریم؟ نامه ای به مجمع روحانیون مبارز به بهانه انتشار بیانیه در مورد انتخابات

انتخاباتی که در پیش است چند دهمین انتخاباتی است که نظام جمهوری اسلامی انجام میدهد و بجز یکی دو انتخابات ابتدای انقلاب، همگی با ابهام و گله‌گذاری و اتهام تقلب بدون پیگیری و یا تحریم از سوی جناحهای درون نظام و بیرون آن انجام گرفته‌اند. اصولاً انتخابات در ایران با تقلبی آشکار بنام "نظارت استصوابی" عجیب و جزء ابزار انتخاباتی گشته است.

در دوران دبیرستان معلمی داشتیم که در آخر سال سلیفگی و با مصلحت اندیشی نمره میداد. علیرغم نمراتی که در طول سال می‌گرفتیم، نه درس خوان و نه تنبل، نمی‌دانستیم چه سرنوشتی خواهیم داشت. آخرسال بایستی نفرنفر از جلوی آقای دبیر عبور میکردیم، تا او برطبق ضوابط و خاطراتی که در ذهنش از تک‌تک ما داشت، نمره بدهد. درس خوان و تنبل تا اعلام نتایج دردلهره به سر می‌بردند. کاندیداتوری در این نظام به سرنوشت آن زمان ما گرفتار شده است. همه در ابهام، همه در دلهره و همه در ترس، الی دفتر مقام معظم رهبری.

اما آن انقلاب روشن و شفاف و شکوهمندی که به هدف آزادی و استقلال در شفافیت و نور، انجام شد، چرا به این سرنوشت غم‌بار دچار گردید؟ به بهانه و کمک بیانیه روحانیون مبارز سعی میکنم این مهم را روشن نمایم.

در بندششم این بیانیه آمده است:

۶- "بر دست‌اندرکاران امر انتخابات فرض است که فارغ از همه گرایش‌های سلیقه‌ای ملاحظات بانندی و یا وهمی، اولاً نهایت سعه صدر در بررسی و اعلام صلاحیت نامزدهای محترم به‌خصوص عالمان بزرگوار که صلاحیت علمی و تقوایی آنان مشهور و سابقه علمی و دینی و انقلابی آنان روشن است به خرج دهند".

از قرار این بند، و از نظر مجمع روحانیون، کشور گرفتار آن دبیر شریف ما شده است. روشن تر اینکه، روحانیون مبارز می‌فرمایند که شورای نگهبان تشخیص صلاحیت را با ۱- گرایش‌های سلیقه‌ای ۲- ملاحظات بانندی ۳- اوهام و ۴- بدون سعه صدر؟ در مورد علما بزرگوار که صلاحیت علمی و... انجام میدهد. بایدمان گفت: روحانیون محترم مجمع، شما که از سلیقه این "شورا" آگاهی، شما که این باند را می‌شناسید، شما که از "وهم" نایب اما زمان (عج) بودن آن "شورا" مطلعید، طلب کردن سعه صدر برای گرفتن صلاحیت علمای بزرگوار که..... از آن "شورا" در یوزگی نزد سلطان جابر نیست؟ به جای اینکه، از حق و حقوق مردم که بگذریم، اقلاً از حقوق حقه خودتان دفاع کنید و در برابر متجاوزین به این حقوق مردانه بایستید، استدعای سعه صدر داشتن از متجاوزین به حقوقتان میکنید؟

اگر احسان کنی بامستحق کن

نه از بهرریا، از بهر حق کن

این کار شما مهر تاییدی بر اعمال آنها نمیشود؟ تا کنون که چنین بوده است. در هر انتخاباتی همین روش را تکرار کردید و بعد از انجام آن برای "تضعیف نشدن نظام"، مهر سکوت بر لبانتان زدید. حق را به جانب آنها نشان دادید و خود را مستحق ترحم جلوه گر ساختید. حق را به لباس باطل آراستید و استبداد را صالح به نمایش گذاشتید. این راز سقوط معنویت در کشور است. و این راز عدم نشانی از اسلام و راستی و درستی و کرامت انسانی در این جمهوری است.

گرچه برواعظ شهراین سخن آسان نشود

تاریاورد و سالوس مسلمان نشود

در بند دوم بیانیه آمده است:

"....."

ثانیا: سازوکاری را فراهم آورند که در آن از رای واقعی مردم پاسداری شود و بدون تصرف و صلاح‌اندیشی

گروهی و سلیقه‌ای دقیقا نتیجه رای واقعی مردم اعلام و منشا اثر گردد."

آقایان محترم، برای پاسداری از رای واقعی مردم، ابتدا باید شرایط دادن رای واقعی فراهم باشد که هم خود شما آرزوی آن را میکنید! و هم اینکه وجود چنین شرائطی از آمال و آرزوهای دیرین مردم این مرز و بوم بوده و هست و هدف انقلاب هم جز این نبود. اما این حریم مقدس پاسداری از رای مردم توسط دولتمردان جمهوری اسلامی چراشکست؟ شماروحانیون محترم مجمع روحانیون مبارز که در شکستن این حریم مقدس سهم به سزانی داشتید، با خود اندیشیده اید که چرا سالی از برگزاری اولین انتخابات ریاست جمهوری نگذشته بود، با آن انتخابات آزادی که همه ملت یک پارچه در آن شرکت کردند و با آرائی بسیار بالا اولین منتخب تاریخ خویش را برگزیدند، دست به کودتا زدید؟ آن عمل شما پاسداری از رای مردم بود؟ یا صلاح‌اندیشی گروهی و سلیقه‌ای؟ دوصد گفته را چون نیم کردار نیست. این چنین بود ای علمای گرامی که کار به اینجا رسیده است. فمن یعمل مثقال زره خیریره، فمن یعمل مثقال زره شره یره (نگه کن در همه روزی به فردات- مکن بد تا نبینی بد مکافات). نظام همان نظامی است که شما خود ساختید، لکن جای افراد عوض شده است. به حق در این بیانیه خاطر نشان کرده اید که چگونه و چه کسانی به نظام تازه پای جمهوری اسلامی در همان بهار انقلاب ضربه کاری وارد کردند. در بند دوم بیانیه آورده اید:

"بدون پرداختن به مبانی نظری و فقهی مباحثی که این روزها درباره اعتبار و اهمیت رای مردم مطرح می‌شود باید گفت که طبیعتا صراحت قانون اساسی همه امور در مورد نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر رای مردم است و بدون آن یا در اثر خدشه وارد شدن به آن، آنچه در درجه اول آسیب می‌پذیرد اصل نظام به‌خصوص جنبه مردم‌سالار آن است که از افتخارات نظام ما بوده و خواهد بود."

و باز هم می‌بینیم، که در همین آخرین انتخابات ریاست جمهوری، رئیس جمهور، نه با رای مردم که با توجهات خاص "ولی عصر(ع)" بررقیب خود پیروز شد. که بنا بر گفته شما به اصل نظام آسیب زده و به افتخار مردم سالاری نظام خدشه وارد کرده است. اینک از آن دستگاه انتظار دارید انتخاباتی سالم بر پایه مردم‌سالاری برگزار نماید!

در بند سوم بیانیه که در پائین می‌آید اذعان دارید که برای پاسداری از رای مردم ۱- فضا امن نیست و ۲- فضامطمئن نیست و ۳- دست اندرکاران نه پاسداری از رای مردم را رعایت میکنند و نه به آن احترام می‌گذارند. آنگاه دست به دامان رهبر معظم انقلاب میشوید تا شرایط را برای شما فراهم آورد.

بند سوم بیانیه:

۳- "عنایت ویژه رهبر معظم انقلاب در فراهم آوردن فضای امن و مطمئن برای پاسداری از رای مردم و الزام دست‌اندرکاران به رعایت و احترام آن از اهمیت ویژه برخوردار است."

اما این شرائط ناامن و نامطمئن را چه کسانی و به چه قصدی به وجود آورده اند؟ آیا تقلب در انتخابات اخیر ریاست جمهوری در راستای تحکیم همین شرائط ناامن و نامطمئن انجام نگرفت؟ آیا مقام معظم رهبری از این شرائط بی‌خبراست یا خود در راس بوجود آورندگان این شرائط قرار دارد؟ در صورتیکه بی‌خبراست، چه حاجت به دست‌اندازان چنین رهبری شدن که تا این حد از وضع کشور ناآگاه باشد؟ چنانچه خود در راس آن قرار دارد، این چه استمدادی است از عنایت ایشان که شما طلب می‌کنید؟ نمی‌خواهید یک بار هم که شده است خود را از این تضاد رها سازید؟

درخاتمه با احساس مسئولیت در برابر ۱- نظام ۲- مردم ۳- روان بلند حضرت امام خواستار حضور گرم در صحنه (همان تنور گرم انتخابات) و معرفی کاندیداهای خود میشوید. آنگاه تهدید میکنید عذری برای انصراف از انجام این وظیفه نیابید.

۸- "مجمع روحانیون مبارز تهران با احساس مسئولیت در برابر نظام، مردم و روان بلند حضرت امام خواستار حضور گرم در صحنه و آماده معرفی نامزدهای مورد نظر برای مجلس خبرگان می‌باشد و امیدوار است که تا پایان کار فضا را در حدی مناسب بدانند که با همین گرمی و نشاط در عرصه حضور داشته باشد و عذری برای انصراف از انجام این وظیفه نیابد."

اما اگر مسئولیت شما در درجه اول برابر نظام است دیگر چرا از مردم‌سالاری سخن می‌گویند؟ به چه مناسبتی قدرت بدستان این نظام را تهدید می‌کنید که عذری برای انصراف شما به وجود نیآورند؟ کدام عذر؟ واگر به وجود آوردند، برحسب همین

مسئولیت، مهر سکوت بر لبانتان نخواهید زد؟ گذشته شما نشان داده است که می زنید. پس چرا آنها به این تهدید شما باور داشته باشند؟ وقتی مسئولیت شما در برابر نظام در اولویت قرار دارد، پس تضاد بین مردم و نظام، با نادیده گرفتن حقوق مردم حل میشود. همانگونه که تا به حال هم به آن عمل کرده اید. و این همان وظیفه ایست که شورای نگهبان با نظارت استصوابی انجام میدهد تا کاررابط شما آسان کند. پس چه ایرادی بر عملکرد آن وارد میکنید؟ از قرار در واقع شما سهمی از قدرت را خواستار هستید و آنها با شرائط شما، از دادن آن امتناع میکنند و مردمسالاری فریبی بیش نیست.

آن شیخ که شکست زخامی خم می

زوعیش و نشاط میکشان شده طی

گربهر خداشکست پس وای به من

ور بهر ریا شکست پس وای به وی

و بالاخره اگر خود را در برابر روان بلند حضرت امام مسئول میدانید، ایشان که گفتند "پدران ما بیخودی برای ما قانون اساسی نوشته اند". پس در کشوری که بیش از هشتاد درصد مردمش در تصویب قانون اساسی فعلی دخالت نداشته اند، مسئولیت اول شما باید متوجه آن مردم باشد، نه به قول آقای خمینی "آن نظام پوسیده".

با نظری بر آنچه که گذشت، و گذری بر واقعیات روزمره که بر مردم میرود، با تصویری از فساد و دستگاهی مخوف روبرو میشویم که در آن و به قول شما، اندکی تمامیت خواه به خود اجازه داده اند تا با عملکرد خودسرانه حقوق اولیه مردم را پایمال نمایند. و شما یکباره، به نام مردمسالاری از آنها می خواهید که زمینه شرکت در انتخابات را برای کاندیداهای شما فراهم آورند!!

حال فرض را بر این منوال قرار دهیم که دستگاه وسیع و پیچیده چند سر قلب یک جا کوتاه آمد و در مورد کاندید های مجمع همانند "خودی" ها عمل کرد. آیا از منظر آن علمای محترم، "فضا مناسب گشته است؟"، "از رای مردم پاسداری شده است؟"، "فضامن و مطمئن شده است؟"، "این انتخابات بدون تصرف و صلاح اندیشی در رای مردم انجام گرفته است؟". اگر چنین است و شما از آن راضی هستید، در این صورت منظور نظر شما از "مردم" همانا آن مجمع محترم است.

باز هم فرض را قرار میدهم به اینکه اینبار هم "صلاح و مصلحت کشور" به سوی خواسته شما جریان یابد و همچون مجلس ششم و دوران آقای خاتمی بشود. چندصباحی دیگر، باز هم با حکم حکومتی و انواع فشارهای موجود، زمینه رسیدن به اهدافشان را به دست شما فراهم تر خواهند کرد. آیا اینست پاسداری از رای مردم؟ این است جنبه مردم سالارانه نظام که به آن افتخار میکنید؟

به هر حال، نظری بر روند عمر قریب به سی ساله نظام به هر ناظری می گوید، این کسانی که در پی به قبضه درآوردن تمامی قدرت هستند، نه فریب شما را می خورند و نه دست از تمامیت خواهی برمی دارند. شما برای ادامه زندگی سیاسیتان دو راه بیشتر پیش رو ندارید: یا تمام و کمال با حق باشید. یا تمام و کمال با قدرت حاکم. به سخن دیگر یا حسین(ع) باشید، یا شمر. در غیر این صورت مرگ تدریجی سیاسی شما فرا میرسد و نه مردم باوری به شما خواهند داشت و نه "قدرت" به شما احتیاج پیدا میکند. آنگاه در خزان زندگی در برابر خدا و مردم خواهید گفت:

چون عود نبود چوب بید آورده ام

روی سیه و موی سپید آورده ام

من به عنوان یک هموطن آرزو دارم به حق بگرهید و شیرینی و نشاط آزادی و آزادگی را در سرزمین استبدادزده مان بچشید. اعتماد مردم را به خود جلب کنید تا آنها هم با امید و دلی گرم به ساختن فردائی روشن در محیطی سالم برای خود و آیندگان همت کنند.